

جایگاه اماره مجرمیت و اصل برائت در مبارزه با ثروت های نامشروع

حمیدرضا امانی^۱

چکیده: یکی از رسالت های حکومت اسلامی و نظام قضایی کشور که در قانون اساسی نیز بر آن تأکید شده است، مبارزه با ثروت های نامشروع می باشد. از سوی دیگر، از اصول پذیرفته شده و مسلم در حقوق داخلی ما، اصل عملیه برائت است. این اصل به طور کلی ضامن آزادی انسان ها بوده و در قانون اساسی و قوانین عادی نیز بر آن تأکید شده و در رسیدگی به جرایم اقتصادی و ثروت های نامشروع نیز ناگزیر به رعایت آن هستیم. گاه مشاهده می شود، اصل برائت به پناهگاه امنی برای مفسدین اقتصادی تبدیل می گردد. به همین جهت، در حقوق بسیاری از کشورها و کنوانسیون های بین المللی، با وجود پذیرش کلی اصل برائت، در مورد در آمد ها و عواید نامشروع ناشی از فساد و یا جرایمی از قبیل تروریسم و قاچاق مواد مخدر و نیز سهولت تعقیب و تحقیق در مورد مجرمین مربوطه و بازگرداندن ثروت های نامشروع آنها به مال باختگان و یا بیت المال، «اماره ی مجرمیت» جایگزین اصل فوق الذکر گردیده است. در نگاهی گذرا به تاریخ صدر اسلام، شاهد سخت گیری و اعمال اماره ی مذکور به ویژه در مورد کارگزاران حکومتی که سرمایه آن ها به طور چشمگیر و غیر معقولی افزایش یافته است، می باشیم. در حقوق داخلی، با وجود اصل برائت، بعضاً قوانینی دیده می شود که رد پای اماره مجرمیت در آنها دیده می شود، هر چند در عمل اجرای موفقی نداشته اند. قانون معروف «از کجا آورده ای؟» (قانون رسیدگی به دارایی وزرا و کارمندان دولت اعم از کشوری و لشگری، شهرداری ها و مؤسسات وابسته به آنها مصوب ۱۳۳۷) مهم ترین و مفصل ترین قانونی است که در این زمینه به تصویب رسیده، اما هرگز اجرا نگردید. اصل ۱۴۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تنها در حد الزام به معرفی اموال توسط مقامات مصرح در این اصل به قوه ی قضائیه و کنترل عدم افزایش بر خلاف حق آنها در سال ۱۳۵۸ تصویب گردید. در راستای اجرای این اصل، قانون رسیدگی به دارایی مقامات، مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران، پس از دهه‌ماه سرگردانی در سه دوره مجالس شورای اسلامی و ایرادات شورای نگهبان، به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع و در تاریخ ۱۳۹۴/۸/۹ به تصویب مجمع رسید و به دلیل استنکاف رئیس جمهور، با دستور رئیس مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۹۴/۱۰/۱۰ منتشر گردید. اگر چه این قانون از جامعیت لازم برخوردار نیست، اعتقاد ما این است که اجرای کامل آن می تواند گامی

^۱-رییس شعبه ۲۳ دادگاه تجدیدنظر استان اصفهان

موثر در پیشگیری از فساد مالی در دستگاههای دولتی باشد. امید است با تصویب قانون جامعی در این زمینه و نیز اصلاح و هماهنگ نمودن قوانین موجود و نحوه ی برخورد با ثروت های نامشروع، نگرش ما به اصل برائت اصلاح و این اصل با واقعیات عینی تفسیر گردد.

واژگان کلیدی: ثروتهای نامشروع، برائت، اماره مجرمیت، فساد در آمد مبارزه با ثروت های نامشروع از دیرباز یکی از شاخصه های اجرای عدالت تلقی می شده است. گردش سرمایه های نامشروع، در جهان امروز به عنوان نشانه ای از تزلزل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تلقی می شود. نگاهی گذرا به آمار گردش سرمایه های نامشروع در سطح جهان، اهمیت مقابله با این گونه سرمایه ها را به ما گوشزد می نماید که ذیلاً از باب نمونه به سرمایه های ناشی از دو جرم اشاره می کنیم. «بانک جهانی با منظور کردن پنج درصد ارزش سرمایه گذاری مستقیم خارجی کمترین میزان اختلاس سالانه در دنیا را هشتاد میلیارد دلار برآورد کرده است. همچنین ادعا شده، پولی که به بهانه ی رشوه رد و بدلمی شود در جهان بین دو تا پنج درصد از کل تولید جهان بوده است.» (دادگر و معصومی نیا، ۱۳۸۳، ص ۳۹) همچنین، مقابله با ثروت های نامشروع به عنوان یکی از مؤثرترین روش های مقابله با جرم، کسب ادله و شناسایی شرکای جرم مطرح می باشد. مایکل کیلچلینگ^۲ در این زمینه می نویسد: «پاسخ های سنتی همچون حبس و جزای نقدی به تنهایی ناکارآمدند و گزینه ی بهتر حمله به اموال (به جای حمله به اشخاص) است. به لحاظ نظری این رویکرد به ویژه در مورد یافته های جرم شناختی مبنی بر اینکه نه فقط جرم سازمان یافته، بلکه بخش عمده ی جرایم به طور کلی به قصد کسب سود ارتکاب می یابند.» (کیلچلینگ، ۱۳۸۶، ص ۱۵۰). با این اوصاف و با توجه به تأکید دین مبین اسلام بر مقابله با ثروت های نامشروع و گناه آلود، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در اصل ۴۹ دولت را موظف کرده است، ثروت های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، قمار، فروش زمین های موات و سایر موارد نامشروع را طی رسیدگی دقیق و با ثبوت شرعی گرفته و به صاحبان حق برگرداند و در صورت معلوم نبودن ایشان به بیت المال بدهد. در عین حال، قسمت اخیر اصل ۴۹ قانون اساسی مقرر می دارد: «این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود» و این موارد در واقع همان اصل برائت است که در اصول ۲۲ و ۳۷ قانون اساسی و ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی بر آن تأکید شده است. از سوی دیگر مجرمین اقتصادی که معمولاً صاحبان زر، زور و تزویر هستند، به لطایف الحیل به جمع آوری ثروت های نامشروع پرداخته و خود را در پس پرده اصل برائت مخفی می نمایند. در این میان مقام تعقیب کننده، در موقعیت ضعیف تری از متهم قرار می گیرد و اثبات نامشروع بودن ثروت های حاصله بسیار مشکل و گاه غیر ممکن می گردد. به همین جهت در کنوانسیون های بین المللی که بعضاً کشورمان به آنها پیوسته است و در ادامه ی این نوشتار به آنها اشاره خواهد شد، ضمن جرم انگاری افزایش نامعقول این ثروت ها، اصل بر نامشروع بودن اموال و ثروت های مذکور قرار داده شده است، مگر این که خلاف آن ثابت شود. در حقوق بسیاری از کشورها نیز گرایش به این روش به عنوان یکی از طرق مبارزه با مجرمین

^۲. Michael Kilchling

اقتصادی و یا جرایم خاص و ثروت های نامشروع مشاهده می شود.

در این پژوهش به بررسی حقوق داخلی کشورمان در این زمینه و مقایسه آن با حقوق جزای بین الملل و برخی کشورها خواهیم پرداخت؛ آن گاه ضمن نتیجه گیری، پیشنهادات لازم ارائه خواهد شد.

۱. مبارزه با ثروت های نامشروع در قرآن کریم

خداوند متعال در قرآن کریم، از جهات مختلف توجه خاصی به مقوله اجرای عدالت، کسب روزی حلال، نهی از حرام خواری، تکلیف به رد اموالی که از طریق نامشروع به دست آمده است، وظیفه دولت ها (حکام) در این خصوص و سرانجام اقوامی که مرتکب اعمالی همچون کم فروشی و کسب روزی های حرام شده اند، مبذول داشته است.

در آیاتی از قرآن کریم همه مردم مکلف به قیام برای قسط و رعایت آن گردیده اند. در آیات فراوان دیگری، مسلمانان و مؤمنین و حتی در مواردی کل مردم مکلف به رعایت قسط و عدل و اجتناب از ظلم و تعدی در روابط با یکدیگر گردیده اند.^۳ در آیه ۱۵ از سوره مبارکه شوری، هدف اصلی انبیاء برقراری قسط و عدل عنوان گردیده است. در این آیه خطاب به پیامبر اکرم (ص) آمده است: «**وَ قُلْ... أَمْرٌ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُم**» یعنی «و بگو... مأمورم که میان شما عدالت را برقرار نمایم.» همچنین در آیه ۲۵ از سوره مبارکه حدید می فرماید: «**لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَ مَنَافِعٌ لِلنَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَ رُسُلَهُ بِالْغَيْبِ...»** یعنی «**همانا ما پیامبران خود را با ادله و معجزات (بر خلق) فرستادیم و با آنها کتاب و میزان (عدل) نازل کردیم تا مردم به عدالت قیام کنند و آهن را که در آن سختی شدید و منافع برای مردم است نازل کردیم و تا معلوم شود که خدا و رسلش را چه کسی در خفا یاری می کند...**»

از این آیه شریفه به خوبی استنباط می شود که رسالت اصلی انبیاء، بر انگیختن مردم به قسط می باشد و لازمه آن دو وسیله است که عبارتند از: کتاب آسمانی و موازین عدالت از یک سو و آهن (شمشیر) از سوی دیگر. به عبارت دیگر اجرای عدالت به صرف تعلیم کتاب و موعظه ممکن نیست و استفاده از قوه قهریه نیز در مواردی لازم است.

همچنین خداوند متعال ضمن توصیه ی مردم به حلال خواری^۴، آنها را شدیداً از حرام خواری و سرمایه ها و ثروت های نامشروع که از آن به «**اکل مال بباطل**» یاد فرموده نهی نموده است.^۵ هرچند در برخی

۳. نساء/ ۱۳۵، الرّحمن/ ۷ الی ۱۰، انعام/ ۱۵۲، اسراء/ ۳۵

۴. بقره/ ۱۶۸

۵. بقره/ ۱۸۸، نساء/ ۲۹ و توبه/ ۳۴ و ۳۵

از این آیات از کلمه «اکل» به معنای خوردن استفاده شده است، لکن همان گونه که مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر گرانقدر «المیزان» توضیح داده اند، منظور از اکل، مطلق تصرفات است نه صرف خوردن. (طباطبایی، ۱۳۷۹، ص ۵۰۰)

در قرآن کریم از مال حرام به عنوان «سُحت» نیز یاد شده است. خداوند در آیه ۴۲ از سوره مبارکه مائده برخی از اهل کتاب را به خاطر حرام خواری مورد سرزنش قرار می دهد.^۶ همچنین در آیات ۶۲ و ۶۳ سوره مبارکه مائده علما و راهبان اهل کتاب را مورد عتاب قرار می دهد. که چرا آنها را از خوردن حرام باز نمی دارند؟ همچنین حرام خواری به عنوان یکی از مظاهر فساد در آیات متعدد، مورد نهی قرار گرفته است که از آن جمله می توان به آیه ۴۱ از سوره مبارکه روم و آیه ۷۷ از سوره مبارکه قصص اشاره نمود.

علاوه بر احکام تکلیفی در خصوص کسب اموال نامشروع که بر حرمت آنها اشعار دارد، قرآن کریم از حکم وضعی کسب این گونه اموال یعنی تعیین تکلیف اموالی که از طریق باطل و نامشروع به دست می آیند غافل نمانده است. به عنوان مثال خداوند ثروت های حاصل از ربا را نامشروع دانسته و مالکیتی برای رباخوار در آنها قائل نیست؛ فلذا می فرماید: رئوس (یعنی اصل اموال) از آن شما است و بدین طریق نه از طریق گرفتن بهره به کسی ظلم می کنید و نه مورد ظلم قرار می گیرید چرا که اصل مال، به شما باز گردانیده می شود.^۷

در مورد مجازات الهی حرام خواری، قرآن کریم، از یک طرف وعده عذاب اخروی به کسانی داده است که مرتکب ظلم و ستم نظیر دست اندازی به اموال دیگران یا خوردن مال حرام مانند ربا و امثال آن گردیده اند. آیات مربوطه در این زمینه فراوانند و از باب نمونه می توان به آیه ۲۷۵ از سوره مبارکه بقره و آیه ۱۰ از سوره مبارکه نساء اشاره کرد. از سوی دیگر در برخی از آیات تکان دهنده سخن از سرنوشت دنیوی شوم کسانی به میان آمده است که خوردن مال حرام برایشان امری عادی و طبیعی شده بود. از جمله یکی از علل حرام کردن نعمت های پاکیزه بر قوم یهود را ربا خواری و خوردن اموال مردم به ناروا ذکر فرموده است.^۸

نمونه ی دیگر، سرگذشت شوم بسیاری از اقوامی است که در طول تاریخ به عذاب الهی دچار شده و نابود یا مسخ گردیده اند. خداوند متعال، به کرات داستان آنها را ذکر و علت آن را نیز متذکر می گردد. در مورد قوم حضرت شعیب (ع)، خداوند، علت ابتلای ایشان به عذاب الهی و انقراض این قوم را فساد اقتصادی ذکر فرموده است.^۹

از این گونه آیات به خوبی می توان دریافت که عذاب سخت و نابودی اقوامی که غرق در مفاسد مالی و اقتصادی هستند جزء سنن الهی محسوب می گردد.

۶ مائده/۴۲ .
۷ بقره/۲۷۹

۸ نساء/۱۶۲ و ۱۶۱
۹ هود/ ۹۵ - ۸۴

۲. چگونگی مبارزه با ثروت های نامشروع در صدر اسلام

در بررسی تاریخی مبارزه با ثروت های نامشروع به دوران درخشانی می رسیم که با نزول وحی بر پیامبر اکرم (ص) آغاز گردید. یقیناً آیینی که برقراری عدالت و مبارزه با هرگونه ستمی را شعار خود قرار داده است، نمی تواند در مقابل مفسد اقتصادی و ثروت های نامشروع بی تفاوت باشد. در مورد پیامبر اکرم (ص) نقل شده است:

به او [پیامبر اکرم (ص)] خبر دادند یکی از فرماندارانش رشوه ای در شکل هدیه پذیرفته، حضرت برآشفته و به او فرمود: «كَيْفَ تَأْخُذُ مَا لَيْسَ لَكَ بِحَقِّ؟» چرا آنچه حق تو نیست می گیری؟ او در پاسخ با معذرت خواهی گفت: «لَقَدْ كَانَتْ هَدِيَّةً يَا رَسُولَ اللَّهِ» آنچه گرفتیم هدیه بود ای پیامبر خدا. پیامبر فرمود: «رَأَيْتَ لَوْ قَعَدَ أَحَدُكُمْ فِي دَارِهِ وَ لَمْ يُؤَلِّهِ عَمَلًا آكَانَ النَّاسُ يَهْدُونَهُ شَيْئًا؟» اگر شما در خانه بنشینید و از طرف من فرماندار محلی نباشید، آیا مردم به شما هدیه ای می دهند؟ سپس دستور داد هدیه را گرفتند و در بیت المال قرار دادند و وی را از کار برکنار کرد. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ص ۱۵۵)

در مورد دیگری، پس از جنگ حنین و بازگرداندن اسیران هوازن، پیامبر اسلام (ص) در برابر اصرار برخی از لشکریان به تقسیم بیت المال و بی صبری ایشان، یک نخ از کرک کوهان شتر برداشت و فرمود: «**أَزَقِي عٍ وَ غَنَائِمٍ شَمَا وَ از این کرک، جز یک پنجم آن حق من نیست و سهم من هم عاقبت به شما برمی گردد. اگر نخ و سوزنی از بیت المال برده اید فوراً برگردانید.**» (نوری همدانی، ۱۳۶۳، ص ۷۴)

پس از پیامبر اکرم (ص) مبارزه با ثروت های نامشروع و مفسد مالی در زمان خلفای اول و دوم به گونه هایی ادامه یافت. هرچند در این دوره با نصب افراد ناصالح همچون معاویه و عمرو عاص به امارت بلاد، بنای بسیاری از حرام اندوزی ها گذاشته شد.

در خصوص ابوبکر آن چه از بررسی متون تاریخی به دست می آید این است که، جز در موارد استثنایی به روش پیامبر اسلام (ص) عمل کرده است.

در مورد وضعیت اجتماعی و اقتصادی در زمان خلیفه ی دوم گفته شده است:

با توسعه قدرت و ازدیاد ثروت، اندک اندک..... آتش دشمنیهای کهن و تنافسات قبیله‌ای که در عهد رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم زیر خاکستر پنهان شده بود، دوباره زبانه کشید و بین قرشی و غیر قرشی و عدنانی و قحطانی و حجازی و شامی و عربو غیرعرب امتیاز و اختلاف به وجود آمد. اعیان قریش مخصوصاً بنی امیه در صدد جلب قدرت و

ثروت بیشتر برآمدند و قداست و روحانیت اسلامی را فدای تعصبات جاهلی کردند... این وضع در اواخر خلافت عمر و در سراسر دوران خلافت عثمان ادامه داشت. (مشایخ فریدنی، بی تا، ص ۲۳)

سپاهی عرب بر سپاهی عجم، عرب قحطان بر عرب عدنان، ... تقدم داشت و حقوق گروه اول بیش از حقوق گروه دوم بود. تاریخ نویسان معروفی مانند ابن اثیر و یعقوبی و جرجی زیدان، در تاریخ های خود نمونه ای از ارقام متفاوت، مقرری های سپاهیان و کارمندان دولت اسلامی را ذکر کرده‌اند. اختلاف ارقام حقوق بهت آور است. (شاهد خطیبی، ۱۳۸۹، ص ۲)

با این وجود مواردی از مقابله جدی با مفاسد اقتصادی و ثروت های نامشروع و باد آورده را در زمان خلافت عمر می توان یافت که برخی از این اقدامات، از جهت پیش گیری و برخی از جهت مجازات و نیز بازگشت دادن ثروت های نامشروع به بیت المال حائز اهمیت است. از جمله ی این اقدامات، شناسایی اموال مسئولین در بدو و ختم مأموریت و مصادره دارایی های افزایش یافته، توسط صاحب منصبان حکومتی بود. «بارها می شد که به حساب مأموران دولت رسیدگی می کرد و اگر می دید مأموری مال برای خود اندوخته می گفت: تو که از خزانه (بیت المال) مخارج خود را می گیری این مال را برای چه ذخیره کرده ای؛ آن گاه مالهای او را به خزانه می فرستاد.» (شهیدی، ۱۳۷۷، ص ۱۲۹). سنتی که وی به نام مشاطره ی اموال بنا نهاده بود بعضاً اموال مشروع افراد را نیز در بر می گرفت.

او کنترل ویژه‌ای بر آنان (کارگزاران) داشت و در وقت رفتن به محل خدمت، ثروت آنان را ثبت می‌کرد. عمر تقریباً همه کارگزاران خود را در این باره خطا کار دانسته و در وقت بازگشت اموال آنها را دو نیمه می‌کرد، نیمه‌ای را به آنان پس داده و نیمه دیگری را به بیت المال می‌سپرد. این کار را اصطلاحاً مشاطره اموال می‌گویند. (جعفریان، ۱۳۸۹، ص ۷۰)

از جمله اقدامات عمر بن خطاب می توان به مصادره نیمی از اموال عمرو عاص والی مصر (الطایی، ۱۳۹۰، ص ۱۰) و اموال ابوهریره والی بحرین (الطایی، ۱۳۹۰، ۱۲ به نقل از ابن کثیر: البدایه و النهایه، ج ۸، ۱۱۶) و ابو بکره، از دیگر والیان وی (جعفریان، ۱۳۸۹، ص ۷۰) اشاره نمود. در این نمونه ها تقدم اماره ی مجرمیت بر اصل برائت را به عیان می توان مشاهده کرد. در این مشاطره حتی کسانی چون سعد بن ابی وقاص نیز گرفتار شدند. (جعفریان، ۱۳۸۹، ص ۷۰)

نکته ای که در مورد برخورد های خلیفه دوم با ثروت های والیان خود قابل ذکر و تأمل است، این است که وی پس از مشاطره اموال، بار دیگر آنان را به سر کارشان باز می گرداند.

در زمان خلافت عثمان، فساد اداری و مالی افزایش یافت و در کتب تاریخی مصادیق متعددی در خصوص سوء استفاده از بیت المال و حیف و میل و تقسیم ناعادلانه آن ذکر شده است. در این دوران، نه تنها مبارزه جدی با ثروت های نامشروع به عمل نیامد بلکه فساد در ارکان حکومت رخنه کرده و مصادرات امور به دست افراد فاسدی همچون بنی امیه، مروان حکم و امثال آنها افتاده بود. در این زمینه هیچ منبعی موثق تر از نهج البلاغه و فرمایشات حضرت علی (ع) نیست. ایشان می فرمایند: «**خویشاوندان پدری او از بنی امیه به پا خاستند و همراه او بیت المال را خوردند و بر باد دادند چون شترگرسنه ای که به جان گیاه بهاری بیفتند...**» (علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۸۵، ص ۴۷، خطبه ۳) بخشش ثروت های کلان و باد آورده به این و آن باعث شد که خشم مردم برانگیخته شود و نهایتاً منجر به کشته شدن عثمان گردید.

پس از خلافت عثمان یعنی در زمان خلافت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (ع) شاهد مبارزه ای کامل، عادلانه و به دور از هر گونه افراط و تفریط، جدی و مؤثر با ثروت های نامشروع و مفساد مالی در طول تاریخ می باشیم. ذکر مواردی از بیانات و اقدامات آن حضرت شاهد این مدعا است. از جمله، حضرت علی بن ابی طالب (ع) می فرمایند: «**الدَّلِيلُ عِنْدِي عَزِيزٌ حَتَّى آخَذَ الْحَقَّ لَهُ، وَالْقَوِيُّ عِنْدِي ضَعِيفٌ حَتَّى آخَذَ الْحَقَّ مِنْهُ.**» یعنی «**خوارترین افراد نزد من عزیز است تا حق او را بازگردانم و نیرومند در نظر من پست و ناتوان است تا حق را از او بازستانم.**» (علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۸۵، ص ۹۱، خطبه ۳۷) اهمیت اجرای عدالت و گرفتن حق مظلوم از ظالم، احقاق حق و ابطال باطل در حدی است که امام علی (ع) آن را فلسفه تشکیل حکومت و امارت می دانند. آن حضرت در قسمتی از خطبه معروف به شقشقیه می فرمایند: «**سوگند به خدایی که دانه را شکافت و جان را آفرید، اگر حضور فراوان بیعت کنندگان نبود و یاران حجت را بر من تمام نمی کردند و اگر خداوند از علما عهد و پیمان نگرفته بود که در برابر شکم بارگی ستمگران و گرسنگی مظلومان سکوت نکنند، مهار شتر خلافت را بر کوهان انداخته، رهایش می ساختم.**» (علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۸۵، ص ۴۸، خطبه ۳)

بنابر قول ابن عباس در خصوص اموال بیت المال که عثمان به بعضی از خویشاوندان خود بخشیده بود حضرت علی(ع) در روز خلافت خود در سال ۳۵ هجری بیان فرمودند: «به خدا سوگند، بیت المال تاراج شده را هر کجا بیایم به صاحبان اصلی آن باز می گردانیم، گرچه با آن ازدواج کرده یا کنیزانی خریده باشند. زیرا در عدالت گشایشی برای عموم است. و آن کس که عدالت بر او گران آید، تحمل ستم برای او سخت تر است (علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۸۵، ص ۵۹، خطبه ۱۵)

اشعث بن قیس استاندار آذربایجان بود، به حضرت گزارش رسید که صاحب صد هزار درهم شده است. حضرت او را احضار کردند و به او فرمودند: باید آن را به بیت المال برگردانی! اشعث گفت: من در زمان عثمان آن را به دست آورده ام. حضرت فرمودند: به خدا

سوگند اگر آن را به بیت المال برگردانی، با همین شمشیر تو را می زنم که هر بلایی می خواهد به سرت بیاورد. (مغربی، ۱۳۸۵، ص ۳۹۶)

از این نمونه ها در زمان کوتاه حکومت آن حضرت بسیار است که پرداختن به همه آنها در این مختصر ممکن نیست. از آنچه ذکر شد منش و روش امیر مؤمنان در مبارزه با سرمایه ها و ثروت های نامشروع مشخص می گردد.

۳. اصل برائت و مبارزه با ثروت های نامشروع در حقوق داخلی

در مقدمه ی این نوشتار اشاره گردید که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در یک اصل مترقی و انقلابی به مقابله با ثروت های نامشروع ناشی از جرایم و موارد مصرح در این اصل و نیز سایر موارد برخاسته و دولت را مکلف به رد آنها به صاحبان ثروت های موصوف و یا بیت المال نموده است.

بدیهی است گرفتن حق مظلوم از فرد ستمکار و مجرم تکلیف عمومی دولت است که در قوانین متعددی پیش بینی شده است اما اصل ۴۹ قانون اساسی جدا از این عمومات و با توجه به فلسفه ی تصویب آن که در مذاکرات مجلس بررسی نهایی نیز آمده و همچنین به کار گرفتن واژه ثروت بیشتر ناظر بر اموال کلان و عمده می باشد که نیاز به قانونگذاری و تعیین راهبردهای اجرایی خاص دارد.

امروزه، مباحثی مانند «جرائم اقتصادی»^{۱۰} و یا «حقوق کیفری اقتصادی»^{۱۱} از مباحث مهم در حقوق جزا محسوب می‌گردد که اموال حاصله از این جرائم نیز جزء لاینفک این مباحث محسوب می‌شود. در این مباحث، کلان و عمده بودن، یکی از ملاک‌های تشخیص این جرائم به شمار می‌رود. این معیار را می‌توان از تبصره ی ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ درباره ی الزام به انتشار اسامی محکومین اقتصادی دریافت.

قسمت اخیر اصل ۴۹ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «این حکم (رد ثروت‌های نامشروع به صاحب آن و یا ضبط به نفع بیت المال) باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود» و ماده ۲ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی در همین راستا مقرر می‌دارد: «دارایی اشخاص حقیقی و حقوقی محکوم به مشروعیت و از تعرض مصون است مگر در مواردی که خلاف آن ثابت شود.» و این موارد در واقع همان اصل برائت است که در اصول ۲۲ و ۳۷ قانون اساسی و ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بر آن تأکید شده است.

با وجود تأکید بر مبارزه با ثروت‌های نامشروع در اصل ۴۹ قانون اساسی، دغدغه ایجاد هرج و مرج به بهانه انقلابی‌گری و مبارزه با فساد نیز وجود داشته است، لذا در انتهای اصل مذکور متذکر شده است که اجرای این اصل باید با رسیدگی، تحقیق و ثبوت شرعی به عمل آید.

نگاهی به صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی در تصویب اصل ۴۹، نشان‌گر حساسیت خبرگان ملت نسبت به رعایت حریم‌ها و حدود شرعی احکام می‌باشد. قسمتی از بیانات شهید بزرگوار آیت‌الله دکتر بهشتی نایب رئیس مجلس مذکور چنین است:

ملت ما باید بداند که اگر می‌خواهد این انقلاب به خوبی به ثمر برسد بیش از هر چیز باید اجرای همه قوانین انقلابی از راه قدرت قانونی و قدرت انقلابی و با نظم الهی-انقلابی، الهی-اسلامی صورت بگیرد و هرگونه خودکامگی حتی در راه اجرای آن چیزی که حق به نظر می‌رسد، حق را پایمال خواهد کرد. به همین منظور و برای رعایت این نکته هست که در پایان این اصل این جمله آمد. (اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴، ص ۱۵۱۶)

¹⁰. Economic Crimes .

¹¹. Economic Criminal Law

مطلبی که در پایان اصل ۴۹ آمده است در واقع همان اصل معروف براثت است که ریشه در شرع و حقوق موضوعه ما دارد. علاوه بر اصل ۴۹ در برخی اصول دیگر قانون اساسی نیز بر مطلب ذکر شده در پایان این اصل، تأکید شده است. به موجب اصل ۲۲ قانون اساسی مال اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون، نقض این مصونیت را تجویز نماید و اصل ۴۷ مقرر می دارد: «مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است که ضوابط آن را قانون معین می کند.» علاوه بر قانون اساسی در قوانین عادی نیز اصل مذکور (براثت) به انحاء مختلف آمده است. به موجب ماده ۳۱ قانون مدنی: «هیچ مالی را از تصرف صاحب آن نمی توان بیرون کرد مگر به حکم قانون.»

از سوی دیگر ماده ۳۶ قانون مدنی مقرر می دارد: «تصرفی که ثابت شود ناشی از سبب مملک یا ناقل قانونی نبوده معتبر نخواهد بود.» که ماده مذکور با توجه به حاکمیت اصل براثت تنها پس از ثبوت عدم وجود سبب مملک یا ناقل قانونی مجری خواهد بود.

رعایت اصل براثت در فرامین حکومتی بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری نیز دیده می شود. حضرت امام خمینی (ره) در بند ۵ فرمان هشت ماده ای مورخ ۱۳۶۱/۹/۲۴ خطاب به قوه قضائیه و تمام ارگان های اجرایی کشور مقرر فرمودند: «هیچ کس حق ندارد در مال کسی، چه منقول و چه غیرمنقول و در مورد حق کسی دخل و تصرف کند یا توقیف و مصادره نماید، مگر به حکم حاکم شرع، آن هم پس از بررسی دقیق و ثبوت شرعی» (روابط عمومی قوه قضائیه، ۱۳۷۵)

مقام معظم رهبری نیز در بند ۴ از فرمان هشت ماده ای مورخ ۱۳۸۰/۲/۱۰ برای مبارزه با مفاسد اقتصادی مقرر می دارند: «ضربه عدالت باید قاطع ولی در عین حال دقیق و ظریف باشد.» (نورزاد، ۱۳۸۹، ص ۳۷۸)

رعایت قسمت اخیر اصل ۴۹ و ماده ۸ قانون نحوه اجرای آن از مواردی بوده است که دستگاه های نظارتی خصوصاً دادگاه عالی انتظامی قضات نسبت به آن حساسیت ویژه داشته اند و آرای مختلفی از دادگاه مذکور صادر گردیده است. جهت رعایت اختصار ذیلاً به دو مورد از این آراء اشاره می شود.

به موجب دادنامه شماره ۱۸-۱۳۶۴/۱/۲۶ شعبه دوم دادگاه عالی انتظامی قضاات، با عنایت به اینکه مصادره اموال شرعاً و قانوناً در مواردی است که به طرق قانونی در دادگاه محرز می شود که متصرف، اموال مزبور را از طریق ناهشروع و غیرقانونی به دست آورده، یا معادل آنها مدیون بوده و راهی برای استیفای آن به جز تقاضای اموالش و ضبط آن به نفع طلبکاران نباشد. چون در دستور توقیف اموال شاکی انتظامی و اقوام درجه اول او و در تقاضای بنیاد مستضعفان دایر بر صدور حکم لازم در مورد اموال وی مدرکی دایر بر غیرمشروع بودن اموال نامبرده ارائه نشده است و در این باره تحقیقی به عمل نیامده است... پرونده روال قضایی ندارد، غیرقابل انطباق با ماده ۱۲ آیین نامه دادرسیها و دادگاه های انقلاب بوده و فاقد هرگونه مجوز و مستند قانونی است. (کریم زاده، ۱۳۸۰، ص ۶۶۵)

مورد دوم مربوط به دادنامه شماره ۱۵۶-۱۳۶۴/۸/۱ شعبه دوم دادگاه عالی انتظامی قضاات است که با استدلالی مشابه فوق اقدام دادگاه را در مصادره اموال مالک بدون موجب شرعی و صرفاً به دلیل سوء استفاده دیگران، تخلف شناخته است. (کریم زاده، ۱۳۸۰، ص ۶۶۶)

بنابر این از دیدگاه حقوق داخلی رعایت اصل برائت، به عنوان اصلی که ضامن حقوق و آزادی افراد می باشد، در رسیدگی به ثروت های نامشروع الزامی است و تنها زمانی می توان داریی فردی را نامشروع دانست و یا وی را در این زمینه مجرم دانست که دلایل کافی در این زمینه وجود داشته باشد.

واقعیت این است که اصل برائت با همه ی مزایا و امتیازاتی که دارد، در مبارزه با متکثران و مفسدان اقتصادی به مأمّن و پناهگاهی برای این گونه افراد تبدیل گردیده است.

ضرورت دارد قوانین داخلی در این زمینه ها یعنی در مواردی که ثروت شخصی که مسئولیت مهم دولتی دارد و یا در مظان یکی از جرائم مرتبط با فساد است به نحو نامعقولی افزایش یافته باشد و یا در مظان ارتکاب یکی از جرایم سازمان یافته است، ضمن توجه به حرمت مال اشخاص و اعمال اصل برائت در سایر موارد، متحول گردد و در موارد مذکور، بار اثبات بی گناهی و مشروع بودن ثروت های اندوخته شده به عهده شخص متهم گذاشته شود.

۴. جایگاه قانون «از کجا آورده ای» در حقوق داخلی

با وجود اصل برائت در حقوق داخلی، قوانینی نیز وجود دارند که اگر چه تا کنون جدی گرفته نشده اند، اما در جایگاه پیش گیری و مبارزه با ثروت های نامشروع از اهمیت فوق العاده ای برخوردارند.

کتر کسی است که نام قانون «از کجا آورده ای؟» را نشنیده باشد. بارها شده است که اقشار مختلف مردم، در مجامع مختلف از اجرا نشدن آن گله مند بوده اند.

برخی پنداشته اند منظور از این قانون، اصل ۱۴۲ قانون اساسی است. به موجب این اصل: «دارایی رهبر، رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می شود که برخلاف حق افزایش نیافته باشد.» محدوده ی اجرای این اصل تنها مقامات مصرح در آن می باشد. اگر چه اصل مذکور از نقاط مثبت قانون اساسی در پیشگیری و مبارزه با فساد مقامات مملکتی محسوب می گردد، اما متأسفانه در جهت اجرای آن، قانون جامع و راهکار مشخصی وجود ندارد و فاقد ضمانت اجرا می باشد..

قانون «از کجا آورده ای؟»، قانونی نیست جز «قانون رسیدگی به دارایی وزرا و کارمندان دولت اعم از کشوری و لشگری، شهرداری ها و مؤسسات وابسته به آنها مصوب ۱۳۳۷». مشتمل بر نه ماده و پنج تبصره که در مورخ ۱۳۳۷/۱۲/۱۹ به تصویب مجلس شورای ملی وقت رسیده است.

به موجب ماده اول قانون مذکور، وزرا و معاونان و سایر کارمندان دولت اعم از کشوری و لشگری یا شهرداری ها یا دستگاه های وابسته به آنها و اعضای انجمن های شهر (فعلا شورای شهر) و کارمندان موسسات مأمور به خدمات عمومی و همچنین همه کارمندان هر سازمان یا بنگاه یا شرکت یا بانک یا هر موسسه دیگر که اکثریت سرمایه یا منافع آن متعلق به دولت یا سایر موسسات مذکور است یا نظارت یا اداره یا مدیریت آنان با دولت است و همچنین همه کسانی که از خزانه دولت یا از موسسات مذکور پاداشی دریافت می کنند - به استثنای بازنشستگان یا کسانی که حقوق وظیفه یا مستمری می گیرند - مکلفند صورت دارایی و درآمد خود و همسر خود و فرزندان را که قانونا تحت ولایت آنها هستند به مراجعی که هیأت وزیران تعیین می کنند تسلیم و رسید دریافت کنند.

به موجب ماده ۵ این قانون: «مشمولین ماده اول مکلفند به کلیه پرسشهای مربوط به تغییرات حاصله در صورت دارایی جواب صریح دهند و در صورتی که اضافه دارایی از طریق غیر مشروع تحصیل شده باشد مرتکب به انفصال دائم و محرومیت از خدمت دولت و موسسات مذکور در ماده اول و ضبط آن مال محکوم خواهد شد و هر گاه عمل با سایر مواد قانون مجازات عمومی (فعلا قوانین جزایی مربوط) منطبق باشد مرتکب علاوه بر مجازات فوق به مجازات مندرج در آن قانون نیز محکوم خواهد گردید.»

براساس ماده سوم قانون موصوف، «مشمولین ماده اول مکلفند هر سال ظرف ماههای فروردینو

اردیبهشت کلیه تغییراتی که در دارایی و درآمد آنان یا همسر و یا فرزندان تحت ولایت قانونی آنان در سال قبل پیدا شده و نیز طریق تحصیل آنها را به طریق مذکور در تبصره ماده دوم تسلیم و رسید دریافت دارند.» در سایر مواد این قانون نیز به کیفیت اجرای قانون، ضمانتها، مجازاتها و غیره اشاره شده است.

قانون فوق، از تاریخ تصویب (۱۳۳۷) تا کنون به مرحله ی اجرا در نیامده و اجرای آن جزء آرزوهای ملت ایران بوده است. این در حالی است که کلیه قوانین مصوب مجلس شورای ملی در قبل از انقلاب، مادام که مخالفت آن با موازین اسلامی اعلام نگردیده و همچنین تا زمانی که توسط قانون دیگری لغو یا نسخ نشوند، به قوت خود باقی بوده و لازم الاجرا می‌باشند.

هیأت وزیران در ارتباط با اجرای قانون فوق و اصل ۴۹ قانون اساسی مصوبه شماره ۴۳۸۵۰/۲۷۰۳۵ مورخ ۸/۲/۸۹ تحت عنوان «آیین نامه رسیدگی به دارایی مقامات و مدیران و مشمولین اصل ۴۹ قانون اساسی» را به تصویب رساند که چندی از آن نگذشته، به موجب رأی شماره ۴۶۲ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با اشاره به نامه شماره ۸۹/۳۰/۴۰۲۵۹ مورخ ۱۳۸۹/۸/۲ فقهای شورای نگهبان مبنی برخلاف شرع بودن، آیین نامه ی مذکور ابطال گردید. (معاونت آموزش، ۱۳۸۹، ص ۴۲)

همچنین طرحی با عنوان «طرح رسیدگی به دارایی مقامات، مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران»، با قید یک فوریت در دوره ی هفتم مجلس شورای اسلامی مطرح گردید. طرح مذکور با توجه به موانع موجود و علیرغم گذشت دهها ماه در تاریخ ۱۳۹۱/۲/۱۷ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید که به دلیل مواجه شدن با ایرادات شورای نگهبان و اصرار مجلس به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع و نهایتاً در تاریخ ۱۳۹۴/۸/۹، با اصلاحات کلی در شش ماده و بیست و نه بند و سه تبصره موافق با مصلحت نظام تشخیص و بهتصویب نهایی رسید. و با استنکاف رئیس جمهور از ابلاغ، با دستور رئیس مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۹۴/۱۰/۱۰ منتشر گردید.

به موجب ماده ۱ این قانون مقامات تعیین شده در اصل یکصد و چهل و دوم (۱۴۲) قانون اساسی، فهرست دارایی های خود، همسر و فرزندانشان را مطابق آیین نامه ای که توسط قوه قضائیه ذیل این قانون تهیه و ابلاغ می شود، در ابتدا و انتهای دوره مسئولیت به رئیس قوه قضائیه گزارش می دهند و قوه قضائیه نسبت به رسیدگی به اموال آنان از جهت بررسی عدم افزایش من غیر حق اقدام می نماید. در ماده ۲ یکی از شرایط تصدی سمتهای موضوع این قانون، تعهد به ارائه فهرست دارایی های خود، همسر و فرزندان تحت تکفل، در قالب خود اظهاری به قوه قضائیه بر شمرده شده است.

این قانون نسبت به قانون مصوب ۱۳۳۷ از محدودیتهای زیادی چه از نظر شمول افراد و چه از نظر ضمانت اجرا برخوردار است. مقامات و مسئولانی که موظفند در اجرای قانون، صورت دارایی خود، همسر و فرزندان تحت تکفل خود را قبل و بعد از هر دوره خدمت به رئیس قوه قضائیه اعلام نمایند در ماده ۳ احصا شده اند که عمدتاً شامل موارد خاص می گردد. همچنین اثری از ضمانت اجرای مقرر در ماده ۵ قانون سال ۱۳۳۷ در این قانون دیده نمی شود.

نکته ی مهمی که در ارتباط با این قانون قابل ذکر است این است که بر خلاف قوانین دیگر در این قانون تصریحی به نسخ قوانین مغایر و از جمله قانون « رسیدگی به دارایی وزرا و کارمندان دولت اعم از کشوری و لشگری، شهرداری ها و مؤسسات وابسته به آنها مصوب ۱۳۳۷ » نگردیده و اگر چه این قانون در مواردی نسخ ضمنی گردیده است، دلیلی بر نسخ صریح و کلی آن وجود ندارد.

در ماده ۶ قانون اخیرالتصویب، قوه قضائیه موظف گردیده، حداکثر ظرف مدت شش ماه پس از مالا اجرا شدن قانون، آییننامه اجرایی آنرا تهیه و پس از تأیید رئیس قوه قضائیه ابلاغ نماید. علیرغم این که اعلام شده آیین نامه تهیه گردیده لیکن تا تاریخ نگارش این مقاله چنین آیین نامه ای منتشر نگردیده است. ضرورت تسریع در اجرای قانون فوق الذکر در حالی است که علیرغم تلاش های مجدانه ی انجام یافته در مبارزه با ثروت های نامشروع، متأسفانه مواردی از غارتگری های بیت المال و رانت^{۱۲} خواری ها و تحصیل ثروت های نامشروع وجود دارند که این امر از دغدغه های مقام معظم رهبری بوده و هست. معظم له در فرمان هشت ماده ای خود خطاب به قوای حاکم در نظام جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۸۰/۲/۱۰ می فرماید:

حکومتی که مفتخر به الگو ساختن نظام علوی است، باید در همه حال تکلیف خود را از کم کردن فاصله طولانی خویش با نظام آرمانی علوی و اسلامی بداند و این جهادی از سر اخلاص و همتی سستی ناپذیر می طلبد... اگر دست مفسدان و سوء استفاده کنندگان از امکانات حکومتی قطع نشود و اگر امتیاز طلبان و زیاده خواهان پرمدعا و انحصار جو طرد نشوند، سرمایه گذار و تولید کننده و اشتغال طلب، همه احساس ناامنی و نومیدی خواهند کرد و کسانی از آنان به استفاده از راه های نامشروع و غیرقانونی تشویق خواهند شد.

۵. اماره مجرمیت در حقوق فراملی

در آمدها و ثروت های نامشروع نتیجه ی اعمال و رفتاری هستند که ضمن زیر پا گذاشتن موازین قانونی و ارزش های اجتماعی و اخلاقی؛ نظام اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جوامع را در معرض خطر قرار می دهند. به همین جهت مدت هاست که مبارزه با این موارد که از آن به «فساد»^{۱۳} یاد می شود در دستور کار دولت ها قرار گرفته است. از جمله راهکارهای مؤثر در مبارزه با ثروت های نامشروع «تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت» می باشد.

^{۱۲} «رانت عبارت است از درآمدی خارج از فعالیت های مولد اقتصادی و در ساده ترین معنا، سوء استفاده از فرصت ها و امکانات جامعه است،

همچنین رانت به ثروت های بادآورده و هر پرداختی گفته می شود که بیشتر از ارزش واقعی محصول یا خدمت باشد» (اسحاقی، ۱۳۹۰)

^{۱۳}Corruption

اصل براءت، به عنوان یکی از اصول عملیه که در موارد شک در تکلیف یا مکلف به مورد استناد قرار می گیرد و از اصول مسلم پذیرفته شده در حقوق داخلی است. در حقوق فراملی نیز، به لحاظ مبتنی بودن آن بر قاعده ی عقلی و بنای عقلاء، مورد پذیرش قوانین کشورهای مختلف و مقررات بین المللی قرار گرفته است. این اصل ضامن حق آزادی انسان ها و ابزار حمایتی از متهمان در برابر قدرت دولت ها است.

گاه به علت قدرتمند بودن مجرمین نسبت به مقام تعقیب کننده، سازمان یافتگی و اهمیت جرائم مربوطه و یا بدیهیات عقلی (مانند آن که یک مدیر یا کارمند دولتی در شرایط عادی نمی تواند سرمایه ی کلان و غیر متعارفی تحصیل نماید)، دولت ها به جای انفعال و عقب نشینی در برابر مجرمین، در جهت مبارزه با آنها و باز گرداندن عواید حاصله، تدابیری می اندیشند. یکی از این تدابیر، استفاده از اماره ی مجرمیت می باشد. با به کار بستن این اماره، بار اثبات دلیل (بر بی گناهی متهم) بر عهده ی متهمنهاد می شود.

در ادامه ی مطلب، مروری بر سیاست های بین المللی و تطبیقی در این زمینه خواهیم داشت.

۱- ۵. اماره مجرمیت در اسناد بین المللی

با مرور اسناد بین المللی چند جانبه و دو جانبه، با موارد متعددی از تقدم اماره ی مجرمیت بر اصل براءت در مبارزه با ثروت های نامشروع و فساد آلود، مواجه می شویم. در این جا به لحاظ گستردگی مطلب به نمونه هایی از مهم ترین این اسناد اشاره می نمایم.

۱-۱-۵. برنامه ی جهانی مبارزه با پولشویی (GPMP)

«در این برنامه از دولت ها خواسته شده است علاوه بر جرم انگاری جرایم سازمان یافته به مصادره ی درآمدهای جرم اقدام نمایند و برای مبارزه با تطهیر پول نه تنها پول ها و درآمدهای تطهیر شده و سود آنها یا معادل آنها را مصادره کنند، بلکه با تقدم اماره ی مجرمیت بر اصل براءت در موارد مظنون و مشکوک، درآمدهای مظنون یا عواید حاصل از جرم را نیز توقیف کرده و در صورت اثبات نشدن سلامت منشاء، آنها را نیز مصادره کنند.» (شمس ناتری، ۱۳۸۲، ص ۱۵۴)

۲-۱-۵. کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و روان گردان مصوب سال ۱۹۸۸

کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و روان گردان^{۱۴} که در تاریخ بیستم دسامبر ۱۹۸۸ در وین به تصویب اعضای سازمان ملل متحد رسیده و در سال ۱۹۹۰ به موقع اجرا در آمده است، از مهمترین اسناد بین المللی در مبارزه با مواد مخدر و درآمدهای نامشروع حاصل از آنها محسوب می شود. دولت جمهوری اسلامی ایران به موجب قانون ماده واحده الحاق به کنوانسیون مذکور مصوب ۱۳۷۰/۹/۳ مجلس شورای اسلامی رسماً به این کنوانسیون محلق گردیده است و لذا در حکم قانون داخلی نیز محسوب می شود. از این کنوانسیون می توان به اولین سند بین المللی در خصوص مبارزه با پولشویی نیز یاد کرد.

در خصوص ضبط عواید حاصل از جرایم موضوع بند ۱ از ماده ۳، مقررات مفصلی در ماده ۵ کنوانسیون پیش بینی شده است و این مقررات حتی در صورت تغییر و یا تبدیل عواید مذکور قابل اجراست.

به موجب بند ۷ از ماده ۵، «**هر یک از اعضا می تواند ترتیباتی فراهم نماید که بار اثبات دلیل در رابطه با منشأ قانونی عواید و یا سایر اموال ادعایی در معرض ضبط، به میزانی که چنین اقداماتی با اصول حقوق داخلی و طبع تشریفات قضایی و غیره آن در انطباق می باشد، معکوس گردد.**» این معکوس شدن بار اثبات، همان اماره ی مجرمیت می باشد که در این کنوانسیون مورد توصیه قرار گرفته و شرط آن را انطباق با حقوق داخلی و تشریفات قضایی اعلام نموده است.

اگرچه کنوانسیون ۱۹۸۸ در خصوص مواد مخدر و روان گردان تنظیم گردیده اما در برخورد با اموال و عواید نامشروع حاصل از جرم، در نوع خود بی سابقه است و بابتی را گشود که کنوانسیون های و معاهدات بعدی از جمله کنوانسیون های پالمو و مریدا از آن تأثیر پذیرفتند.

۳-۱-۵. کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی مصوب سال ۲۰۰۰

تصویب کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی^{۱۵} از ۱۱ ژانویه ۱۹۹۹ آغاز و در اکتبر سال ۲۰۰۰ در پالمو به پایان رسید.

روزنامه رسمی شماره ۱۳۶۴۴ مورخ ۱۳۷۰/۱۰/۱۶^{۱۴}

^{۱۵} . برای آگاهی از متن کنوانسیون پالمو رک: باقرزاده، ۱۳۸۳، ۲۶ (جرایم اقتصادی و پولشویی در پیش نویس سازمان ملل متحد علیه فساد مالی و سایر اسناد بین المللی) چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.

۱۴۲ کشور در کنفرانس پالرمو شرکت نمودند که در تهیه متن کنوانسیون همکاری و مشارکت داشتند. هیأت نمایندگی ایران نیز یکی از ۱۴۲ هیأت های نمایندگی عضو بود که به نوبه خود در امر تهیه متن کنوانسیون مزبور به منظور تدوین سند بین المللی جامع و فراگیر برای جامعه بین المللی مشارکت داشته است. (باقرزاده، ۱۳۸۳، ص ۲۱)

جرم انگاری تطهیر عواید حاصل از جرم و فساد کارگزاران عمومی و کارمندان در مبارزه با جرایم مرتبط و نیز مصادره و ضبط اموال حاصل از جرم به صورت مبسوطی در این کنوانسیون بیان شده است. تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت در بند ۷ از ماده ۱۲ کنوانسیون پالرمو به صراحت پذیرفته شده است. به موجب این بند: «دولتهای عضو می توانند امکان ملزم نمودن مجرم به اثبات قانونی بودن منشأ عوایدی که گمان می رود حاصل جرم باشند یا سایر اموال در معرض مصادره، تا حدی که مطابق با اصول کلی حقوق داخلی و نیز ماهیت دادرسی قضایی یا سایر اجرائیات باشد، را مد نظر قرار دهند.»

علیرغم حضور فعال هیأت نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در تصویب کنوانسیون مذکور، تاکنون کشورمان به آن ملحق نگردیده است.

۴- ۱- ۵. کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد مصوب سال ۲۰۰۳

کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مقابله با فساد^{۱۶} در دسامبر ۲۰۰۳ در مریدای مکزیک به تصویب رسیده و در تاریخ ۱۴ دسامبر سال ۲۰۰۵، به اجرا درآمد. این کنوانسیون در تاریخ ۱۹ آذر ماه سال ۱۳۸۲ به امضای دولت جمهوری اسلامی ایران و در تاریخ ۱۳۸۵/۳/۲۱ به موجب قانون ماده واحده الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون مذکور به تصویب قوه مقننه رسیده است. در نامه شماره ۵۶۷۷۶/۰۱۰۱ مورخ ۸۷/۷/۲۳ رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی منضم به متن قانون ابلاغی آمده است:

«دولت جمهوری اسلامی ایران تطهیر عواید اموال به دست آمده ناشی از جرایم موضوع

ماده ۲۳ کنوانسیون را منحصرأً ناشی از عواید جرایم مندرج در این کنوانسیون می داند.» (شهری و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۱۳۹۷) با این ترتیب کنوانسیون موصوف که به حق آن را می توان مهم ترین کنوانسیون بین -

-المللی در رابطه با مبارزه با فساد نامید جزء قوانین داخلی جمهوری اسلامی ایران گردیده و از این جهت می توان آن را مکمل اصل ۴۹ قانون اساسی و قوانین و مقررات مربوطه در مبارزه با ثروت های نامشروع دانست.

ماده ۲۰ کنوانسیون مریدا، در خصوص دارا شدن من غیرحق مقامات دولتی، از اصل برائت سنتی فاصله گرفته است. به موجب این ماده: «هر کشور عضو با توجه به قانون اساسی و اصول اساسی نظام حقوقی خود، اتخاذ قوانین و سایر اقدامات لازم را مدنظر قرار می دهد تا دارا شدن من غیرحق یعنی افزایش چشمگیر دارایی های یک مقام دولتی را که به صورت معقول نمی تواند در ارتباط با درآمد قانونی خود توضیح دهد، موقعی که به صورت عمدی ارتکاب یابد جرم کیفری تلقی شود.»

در این ماده نیز اماره مجرمیت در خصوص مورد، بر اصل برائت مقدم شمرده شده است و بار اثبات بی گناهی و مشروعیت ثروت اندوخته شده توسط مقام دولتی، بر عهده وی می باشد.

۲-۵. مطالعه ی تطبیقی

اتخاذ تدابیر مناسب در خصوص عایدات حاصل از فساد و جرم، ضرورتی است که کشورهای مختلف پی به آن برده اند. این تدابیر شامل تحقیقات در زمینه های مالی، ارزیابی ادله ی اثباتی که از کشور دیگر متفاوت است و گرایش به اماره ی مجرمیت و یا سبک نمودن بار اثبات جرم در جرایم مرتبط با فساد مالی و پی آمدهای ناشی از آن که در حال افزایش است، می گردد..

مطالعه تطبیقی کشورهای دیگر در این زمینه ها می تواند در بررسی و شناخت و اتخاذ روش های مناسب برای مقابله با مفاسد مالی و اقتصادی در کشورمان مؤثر باشد.

«در اروپای غربی، بیشتر کشورهای این حوزه، قوانین خود را اصلاح کرده اند تا بتوانند ضبط و مصادره ی عایدات غیرقانونی یا مشکوک به کسب آن از منشأ غیر قانونی را تسهیل کنند. مصادره مدنی در این نظام ها منحصراً یک تدبیر مربوط به مال است و هدف آن شخص مورد نظر نیست.» (کیلچلینگ، ۱۳۸۶، ص ۱۵۶)

در حقوق آمریکا دولت می تواند در خصوص اموال حاصل از جرایمی مانند قاچاق، مواد مخدر، پول شویی و اعمال تروریستی، دعوی مصادره آنها را اقامه نماید. در عین حال:

اقامه این دعوی متوقف بر اقامه دعوی کیفری علیه مالک آنها نیست و دعوی مستقلی محسوب می شود. بار اثبات این دعوی بسیار سبک تر از بار اثبات دعاوی کیفری است. دولت آمریکا صرفاً باید احتمال دخیل بودن مال را در جرم نشان دهد، پس از آن بر عهده ذینفع است که عدم صحت این احتمال را ثابت کند و در صورتی که از پس اثبات این ادعا بر نیاید، حکم به مصادره مال داده خواهد شد. (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۶، ص ۳۴۹)

در تحقیقی که آقای مایکل کیلچلینگ^{۱۷} در این زمینه انجام داده، به این نتیجه رسیده است که در حال حاضر تنها عده‌ی معدودی از کشورها بدون هیچ گونه استثنایی در حوزه‌ی مصادره به اصول حقوق کیفری کلاسیک در زمینه‌ی دلایل پای بند هستند و در بیشتر کشورهای دیگر در وضعیت‌های معینی معافیت در زمینه‌ی ارائه‌ی دلیل اعمال شده است. نتیجه‌ی تحقیقات انجام یافته توسط ایشان را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

۱. الزام‌های ارتباطی جرم^{۱۸} میان جرمی که در معرض یک دادرسی واقعی است و دارایی‌هایی که قرار است قانونی یا غیرقانونی بودن آنها ارزیابی شود سست می‌شود. در نتیجه حتی اگر دارایی‌هایی از رهگذر رفتاری (غیر قانونی) به جز جرم مورد حکم به دست آمده باشند آنها را می‌توان ضبط نمود. کشورهایمانند هلند، اتریش و آلمان چنین مقرراتی رابه اجرا در آورده اند.

۲. وارونه شدن تکلیف اثبات را در چند کشور که نظام‌های حقوقی مانند سوئیس، ایتالیا و ایرلند پیشگامان آنها بوده اند می‌توان مشاهده کرد. در سوئیس بر خلاف نظام ایالات متحده آمریکا صرف ظن به جرم ارتكابی جهت مصادره اموال کافی نخواهد بود. طرف مورد نظر (متصرف دارایی‌ها) باید برای عضویت در یک سازمان مجرمانه یا حمایت از آن قابل پی‌گرد باشد. تنها در این صورت است که تکلیف اثبات به شخص منتقل می‌شود. در برخی کشورها از قبیل اتریش همانند ایتالیا از تکلیف شخص به ارائه واقعاتها به جای دلیل استفاده می‌شود.

۳. نوع خاصی از وارونگی در تکلیف اثبات در بریتانیا وجود دارد که به حوزه‌ی مواد مخدر محدود می‌شود. در این نوع از وارونگی در اثبات، کلیه‌ی درآمدهای متهمان حتی هدایا به مدت شش سال قبل از محکومیت ایشان نامشروع و مسلم فرض می‌شود به این معنی که بار اثبات خلاف آن بر عهده متهم می‌باشد. در کشور فرانسه رویکرد قانون‌گذار به سوداگران مواد اعتیاد آور غیرقانونی سخت گیرانه تر از انگلستان است چرا که عدم اعلام منشاء چنین دارایی‌هایی نه تنها مصادره آنها را موجب می‌شود، بلکه هم زمان، جرم دیگری به شمار می‌آید. (کیلچلینگ، ۱۳۸۶، ص ۱۵۸)

با توضیحاتی که داده شد، در مقایسه با قوانین داخلی کشورمان، خصوصاً اصل ۴۹ قانون اساسی باید گفت در این که استرداد یا مصادره‌ی ثروت‌های نامشروع در اصل مذکور و قوانین و مقررات مربوطه منحصر به جرایم خاصی نگردیده است و از هر طریق نامشروعی حاصل شده باشد مشمول این اصل قرار می‌گیرد، قوانین ما از پیشرفته‌ترین قوانین موجود در دنیا در مبارزه با فساد محسوب می‌گردد که مشابه آن را در کشورهای هلند، اتریش و آلمان می‌توان مشاهده کرد.

¹⁷Michel Kilchling

¹⁸. Offence Connection requirements

نتیجه گیری

اصل برائت در عین حال که برای حمایت از حقوق افراد وضع گردیده و اصلی عقلی و فطری به حساب می آید، در مواردی که امارات یقین آوری خلاف آن وجود دارد به کار گرفته می شود که نتیجه ی آن کمک به مجرمین و غارت گران بیت المال و اموال مردم می باشد، متأسفانه قوانین داخلی ما از این جهت با نواقص جدی روبرو است و علیرغم اصلاحاتی که در سالهای اخیر انجام شده، نیاز به بازنگری و تصویب قوانین موثرتر و با کارآمدی بیشتری دارد.

از سوی دیگر، برخی از قوانین مثبت و کارآمد در این زمینه مانند «قانون رسیدگی به دارایی وزرا و کارمندان دولت اعم از کشوری و لشگری، شهرداری ها و مؤسسات وابسته به آنها مصوب ۱۳۳۷» که بستر لازم را برای اعمال اماره مجرمیت در این موارد فراهم می کرد، به بوته ی فراموشی سپرده شده و از زمان تصویب آن هرگز اجرا نگردید. این قانون تاکنون نسخ صریح نگردیده و مواد زیادی از آن قابلیت اجرایی دارد.

اصل ۱۴۲ قانون اساسی که در خصوص رسیدگی به دارایی رهبر، رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط رئیس قوه قضائیه تنظیم گردیده است، صرف نظر از محدود بودن قلمرو آن، تا کنون آن گونه که مورد انتظار است، اجرا نگردیده است. در راستای اجرای این اصل، قانون «رسیدگی به دارایی مقامات، مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران» پس از سال ها سرگردانی، در سال ۱۳۹۴ به تصویب رسید و امیدواریم بتواند در مقام اجرا، تا حدودی پاسخگوی انتظارات به حق عدالت خواهان باشد.

در کنوانسیون های مبارزه با مواد مخدر و روان گردان مصوب ۱۹۸۸، مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی مصوب ۲۰۰۰ و مبارزه با فساد مصوب ۲۰۰۳، در ارتباط با جرایم مربوطه، اصل برائت جای خود را با اماره مجرمیت عوض نموده است. جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون های مبارزه با مواد مخدر و روان گردان و نیز مبارزه با فساد پیوسته است، با این وجود کنوانسیون های مذکور از این جهت انعکاسی در قوانین داخلی کشورمان نداشته اند.

قانون گذار باید به لحاظ ضرورت عقلی و به منظور سهولت در امر مبارزه با ثروت های نامشروع و فساد مالی و افزایش نامعقول ثروت افرادی که سمت دولتی داشته یا متهم به ارتکاب جرایم مرتبط با فساد مالی و یا جرایم سازمان یافته می باشند، ضمن اتخاذ راهکار های مناسب برای شناسایی اموال ایشان، اصل را بر این قرار دهد که ثروت های موضوع این نوشتار از راه نامشروع کسب گردیده و فردی که مدعی مشروعیت آن است، ادعای خود را به اثبات رساند. قطعاً این امر در پیش گیری از فساد و مبارزه با آن نقش مهمی خواهد داشت و به عبارت دیگر مبارزه با ثروت های نامشروع با سرعت بیشتری دنبال می گردد. والسلام

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

الف - منابع فارسی

۱. اداره امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، **صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**، چاپ اول، تهران، اداره امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴.
۲. اسحاقی-سید حسن، **نگاهی به پدیده ی رانت و رانت جویی در ایران**، قابل دسترسی در سایت <http://www.hawzeh.net>، [تاریخ دسترسی ۲۰ فروردین ۱۳۹۱]، ۱۳۹۰.
۳. الهی قمشه ای - مهدی، **ترجمه قرآن کریم**، چاپ دوم، قم، مرکز چاپ و نشر قرآن کریم الهادی، ۱۳۸۰.
۴. باقرزاده - احد، **جرایم اقتصادی و پولشویی در پیش نویس سازمان ملل متحد علیه فساد مالی و سایر اسناد بین المللی**، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۳.
۵. جعفریان - رسول، **تاریخ سیاسی اسلام، تاریخ خلفاء**، چاپ هشتم، تهران، انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۹.
۶. دادگر - حسن، معصومی نیا - غلامعلی، **فساد مالی**، چاپ اول، تهران، کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۳.
۷. روابط عمومی قوه قضائیه، **قضاء از دیدگاه بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری**، تهران، انتشارات روابط عمومی قوه قضائیه، ۱۳۷۵.
۸. شاهدخطیبی - حسین. **وقایع دوران خلافت عمر**، قابل دسترسی در سایت <http://www.hawzah.net>، [تاریخ دسترسی ۲۳ مهر ۱۳۹۰]، ۱۳۸۹.
۹. شمس ناتری - محمد ابراهیم. **سیاست کیفری ایران در قبال تطهیر پول با رویکرد به اسناد بین المللی**. مجموعه سخنرانی ها و مقالات همایش بین المللی مبارزه با پولشویی، شیراز، کمیته معاضدت قضایی ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۸-۷ خرداد، ۱۳۸۲.
۱۰. شهری - غلامرضا و همکاران، **مجموعه تنقیح شده قوانین و مقررات حقوقی**، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۸.

۱۱. شهیدی- سید جعفر، **تاریخ تحلیلی اسلام تا پایان امویان**، چاپ بیست و دوم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۷.
۱۲. طایی (الطایی)- نجاح، **دیدگاه های دو خلیفه**، مترجم، رثوف حق پرست، مرکز تعلیمات اسلامی واشنگتن، قابل دسترسی در سایت <http://www.islamic.com> [تاریخ دسترسی ۲۲ مهر ۱۳۹۱]، ۱۳۹۰.
۱۳. طباطبایی- محمد حسین، **تفسیرالمیزان**، جلد چهارم، مترجم محمد باقر موسوی همدانی، چاپ دوازدهم، تهران، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹.
۱۴. علی بن ابی طالب علیه السلام، **نهج البلاغه**، مترجم محمد دشتی، چاپ نهم، قم، انتشارات پارسیان، ۱۳۸۵.
۱۵. **قوه قضائیه، قانون الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با مواد مخدر و داروهای روان گردان**، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴۴، ۱۳۷۰.
۱۶. **قوه قضائیه، قانون الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد**، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران. ۱۸۵۶۳، ۱۳۸۷.
۱۷. کریم زاده- احمد، **نظارت انتظامی در نظام قضایی**، جلد سوم، چاپ اول، تهران، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۰.
۱۸. کیلچلینگ- مایکل، **ردیابی، ضبط و مصادره عواید ناشی از فساد در چهارچوب نظام عدالت کیفری یا خارج از آن**، مترجم قباد کاظمی، مجله حقوقی دادگستری، ۶۱، ۱۳۸۶.
۱۹. مشایخ فریدنی- محمد حسین، **نظرات سیاسی در نهج البلاغه**، (کتابخانه دیجیتالی)، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت (ع)، قابل دسترسی در سایت <http://www.lib.ahlolbait.ir> [تاریخ دسترسی ۱۳۹۰/۷/۱۸]، بی تا.
۲۰. معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه، **ویژه نامه قوانین و مقررات**، ۱۳، ۱۳۸۹.
۲۱. مکارم شیرازی- ناصر، **تفسیر نمونه**، جلد اول، چاپ اول، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
۲۲. مکرم- علی، **بانک اطلاعات قوانین کشور** (لوح فشرده)، ۱۳۸۹.
۲۳. میر محمد صادقی- حسین، **حقوق جزای بین الملل**، چاپ دوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۶.
۲۴. نورزاد- مجتبی، **جرائم اقتصادی در حقوق کیفری ایران**، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل جاودانه، ۱۳۸۹.

۱. ابو حنیفہ نعمان بن محمد تمیمی، **دعائم الاسلام**، چاپ دوم، قم، مؤسسه ی آل البیت (ع)، ۱۳۸۵ ق .